



## نگاهی به آموزه‌های جرم‌شناختی و مدل‌های سیاست جنایی رمان مزرعه حیوانات

دکتر جمال بیگی<sup>۱</sup>

ایرج نگهدار<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲

### چکیده

رمان مزرعه حیوانات را اورول با رویکردی انتقادی در قالبی نمادین از زبان حیوانات علیه نظام توتالیتار و با نخله اجتماعی انسان‌گرایانه نگاشته است. هدف این مقاله، مطالعه میان رشته‌ای رمان بر پایه مدل‌های سیاست جنایی و آموزه‌های جرم‌شناختی است. مقاله حاضر بر اساس روش توصیفی و تحلیلی و با مرور رمان و بر پایه منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. یافته‌های مبتنی بر تحلیل محتوای رمان مبین آن است که این رمان نوستالژیک حکایت شکل‌گیری یک انقلاب و تبدیل عصیان به قدرت و نمایانگر بلاهت توده و پوشالی بودن وعده سوسیالیسم به طبقه پرولتاریا یعنی برابری و پایان ظلم اقتدارگرایان است. اورول با دیدگاهی منطبق بر دیدگاه جرم‌شناختی مارکسیستی، مدل‌های سیاست جنایی اتوریتر و توتالیتار را در قالب داستانی منطبق با حاکمیت تمامیت خواه جوامع سوسیالیستی ارائه نموده است.

**واژگان کلیدی:** جورج اورول، رمان مزرعه حیوانات، جرم‌شناسی مارکسیستی، سیاست جنایی، اتوریتر، توتالیتار

۱. دانشیار گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد

Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

اسلامی، مراغه، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

## مقدمه

مزرعه حیوانات<sup>۱</sup> یکی از دو اثر ماندگار و شاخص جورج اورول<sup>۲</sup> نویسنده و روزنامه‌نگار انگلیسی است که در کنار رمان معروف ۱۹۸۴، عنوان پرفروش‌ترین آثار یک نویسنده قرن بیستم را به خود اختصاص داده‌اند. رمان مزرعه حیوانات، درصدد بیان انقلاب کارگری بر ضد نظام سرمایه‌داری است که در آن عاقبت، انقلاب توسط منادیان آن مصادره می‌گردد. داستان تمایل ذاتی انسان به قدرت را بزرگ‌ترین مانع در ایجاد یک جامعه فاقد نظام طبقاتی بیان می‌نماید. در این اثر نویسنده منتقد ایدئولوژی مارکسیستی سعی نموده تا نشان دهد حاکمیت‌های بلوک شرق نتوانستند به شعارهای نظریه‌پردازان خود پایبند بمانند و توده‌هایی که در غلیان تولید و مالکیت مشترک جامعه سوسیالیستی مسخ شده بودند را زیر ارابه‌های قدرت از حداقل‌های انسانی محروم نمودند (گورباچوف، ۱۳۸۶؛ شریف آزاده، ۱۳۶۹: ۴۷-۱۹). بدین‌سان اورول به‌عنوان یک سوسیال‌دموکرات در جریان جنگ داخلی اسپانیا<sup>۳</sup> با حکومت کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی آشنا و از پاک‌سازی‌های خشونت‌آمیز دوران ژوزف استالین که بانام پاک‌سازی بزرگ شناخته شد، برآشفته و در انتقاد از استبداد طبقه حاکم اتحاد جماهیر شوروی سابق که معتقد بود به یک دیکتاتوری بدل گشته، مزرعه حیوانات را از زبان حیوانات، به‌عنوان روایت تکراری مبارزات طبقه پرولتاریا بر ضد نظام سرمایه‌داری به جامعه بشری عرضه نمود.

## 1. Animal Farm

۲. جورج اورول «George Orwell» بانام واقعی اریک آرتور بلر داستان‌نویس، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی، شاعر و نویسنده انگلیسی در ۲۵ ژوئن ۱۹۰۳ در ایالت موتی هاریدر ایالت بهار در هند از خانواده‌ای انگلیسی به دنیا آمد. پدرش کارمند اداره کشف قاچاق بود. اورول وقتی یک‌ساله بود از هند به همراه مادرش به انگلیس رفت و تحصیلات خود را در کالج اتون آغاز کرد. مدتی به پاریس رفت که اوایل با بداقبالی روبه‌رو شد و مشاغل سطح پایینی چون ظرف‌شویی در هتل مشهور ریوولی روی آورد. وی با روزنامه کارگری تریبون و آبرور هم‌کاری کرد. زندگی در برمه، هند، انگلیس و فرانسه نوعی نگاه انتقادی در خصوص قدرت و طبقات اجتماعی در ذهنیت وی ایجاد نمود و کتاب «آس و پاس در پاریس و لندن» را در سال ۱۹۳۳ نوشت و دو رمان «روزهای برمه» و «دختر کشیش» آثار بعدی او بود. در ۱۹۳۰ همانند سایر روشنفکران اروپایی آن دوران به اسپانیا رفت تا علیه ارتش فاشیست ژنرال فرانکو بجنگد که منجر به نوشتن کتاب «درود بر کاتالونیا» در سال ۱۹۳۸ شد. «هوای تازه» واپسین رمان او قبل از جنگ جهانی دوم است. در سال ۱۹۴۳ کار را بر روی رمان «مزرعه حیوانات» آغاز کرد و در سال ۱۹۴۵ مجوز چاپ یافت و پایان کار وی رمان «۱۹۸۴» بود که هفت ماه پس‌از آن در بیستم ژانویه ۱۹۵۰ بر اثر بیماری ریوی درگذشت.

۳. در رمان «زنده‌باد کاتالونیا» روایت واقعی حضور اورول در جنگ داخلی اسپانیا در زمان ژنرال فرانکو است. او در این کتاب هم از تغییر رنگ مسیر انقلاب از انقلابی کارگری به انقلابی بورژوازی و مصادره انقلاب سخن می‌گوید و این‌که کمونیست‌های روسی جریانات چپ را سرکوب و دوباره همه آیین‌های بورژوا برمی‌گردد و مرفه‌هان مرفه‌تر و زنجیرهایی اسارت فقیران محکم‌تر می‌شود و آنان که آرمان‌خواه‌ترند، آسیب‌پذیرتر (اورول، ۱۳۷۳؛ اوکسلی، ۱۳۹۶).

براین مبنا در این پژوهش نگارندگان در پی خوانشی دگراندیشانه از اندیشه‌های جرم‌شناسی در ادبیات هستند که شاید بتوان آن را «جرم‌شناسی ادبیات کیفری»<sup>۱</sup> نام گذاشت. این مقاله اهتمام دارد تا گفتمان حاکم بر نظام‌های کیفری سیاست زده قرن حاضر را که به زیبایی هرچه تمام‌تر در رمان فکاهی سیاسی مزرعه حیوانات بیان شده، با بازخوانی تحلیلی از سیاست جنایی فراگیر حاکمیت‌های مستبد قرن بیستم، تبیین نماید. این نگاه از آن‌رو تحلیلی است که آموزه‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی در خارج قلمرو جامعه‌شناسی مفهومی نداشته و این آموزه‌ها با رویکرد مشخص در اثر عامل و ارتباط ساختارهای مختلف جامعه پدیدار می‌شوند و استنتاج مفاهیم مذکور مستلزم تمسک به فن تحلیل محتوا که ریشه در تحلیل معانی دارد، است. تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره‌ی انواع گوناگون پیام نهفته در آثار ادبی، مقاله‌ها، اسناد رسمی، اعلامیه‌های سیاسی و مانند آن به کار بست (رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). در این رهیافت آنچه می‌تواند نقطه اشتراک بین ادیبان و حقوق‌دانان باشد، چینش مفاهیم ادبی در رمان‌ها با زاویه دید تحلیلی در شناخت محتواهای مدنظر جرم‌شناسی انتقادی و نگاه‌های نقادانه سیاست جنایی است. این تفکر ناشی از آن است که نظریه‌های جرم‌شناسی، هرکدام از نظرگاه خاص خود نگرش به جرم را بررسی نموده‌اند و رویکرد اندیشمندان علوم مختلف اعم از فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد سبب شکل‌گیری یک نظریه جرم‌شناسی و به تبع آن اتخاذ یک سیاست جنایی توسط کارگزاران عدالت اعم از توتالیتر، اتوریتر، لیبرال و آنارشسیسم شده است. علوم جنایی تجربی و به‌ویژه علوم تفسیری یا تحلیلی از آنجائی که محل جولان نظریه‌پردازی اندیشمندان علوم انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است، به نظر می‌رسد بتواند با ابتناء بر آثار فاخر ادبی و آفرینش‌های کلاسیک صاحبان اندیشه که هرکدام در قالب داستان یا رمانی به سوءگیری‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف اقدام نموده‌اند، در زرادخانه حقوق کیفری بهره‌مند شود. چراکه در پهنه ادبی، دیدگاه‌های واقع‌گرایانه‌تری بر شناخت جرم حاکم است.<sup>۲</sup> برخی از ادبا درصدد لمس و ارائه جرم به‌عنوان یک

#### 1. Criminology of Criminal Literature.

۱. علوم جنایی و زیرشاخه‌های آن می‌بایست از رویکرد انحصاری و تلقی مفاهیم کیفری در بستر غالباً مردم‌گریز کنونی عدول نموده و با بهره‌برداری از قدرت دنیای هنر و ادبیات مفاهیم خود را در میان آحاد جامعه گسترش دهد. آثار ادبی می‌توانند تربیونی باشند که از طریق آن نظام کیفری با همانندسازی، نوعی همزادپنداری در نگاه مخاطبان ایجاد و چه‌بسا این مهم، آشتی جامعه ادبی و جامعه حقوقی را به همراه داشته و تلو بخش افق‌های نوینی در اذهان پرسش‌گر جامعه باشد. به همین منظور، کالبدشکافی رمان که حاوی مضامینی وزین از نگاه نویسنده‌ای منتقد مارکسیست است، از منظر جرم‌شناختی و سیاست جنایی سبب اجتماعی‌تر شدن علوم جنایی می‌شود. چراکه بیان مفاهیم کیفری از دیدگاه این رمان پرطرفدار، رویکرد جدیدی را در حوزه ادبیات حقوقی و زاویه دید اقشار مختلف جامعه در پی خواهد داشت.

«پدیده اجتماعی»<sup>۱</sup> برآمده‌اند. مثلاً ویکتور هوگو<sup>۲</sup> به‌ویژه بر عوامل محیطی و اجتماعی در گرایش انسان‌ها به ارتکاب جرم تکیه می‌کند و عملکرد قدرت حاکم در انحرافات ثانوی را در «بینوایان»<sup>۳</sup> به تصویر می‌کشد. سعدی با نگاهی عمیق‌تر و در تردید بین عوامل زیستی و اجتماعی، گاهی تربیت ناهل را به علت بنیاد بدوی غیرممکن و همانند قراردادن «گردکان بر گنبد» می‌داند و گاهی محیط اجتماعی و خانوادگی را. کتاب گلستان، دو مدل سیاست جنایی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر (البته نه به نوع مصطلح امروز) را حکایت کرده است و آن را با داستان‌های گوناگون، مورد توجه قرار داده است (فکوری، ۱۳۹۳: ۳۵).

از سوی دیگر، مسئله مهم که دغدغه اصلی این نوشتار نیز هست این‌که ادبیات کیفری در ایران تا به حال نتوانسته وظیفه خود را در عرصه بررسی آثار ارزشمند ادبی و سینمایی از بعد جرم‌شناسی و سیاست جنایی به منصفه ظهور برساند. مقاله «رمان سال‌های ابری در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان» و همچنین رمان مشهور آخرین روز یک محکوم اثر ویکتور هوگو<sup>۴</sup> در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در آخرین روز یک محکوم»<sup>۵</sup> و مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مدل‌های سیاست جنایی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر در گلستان سعدی» در بیان دو مدل سیاست جنایی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر، شاید بارزترین نمونه‌های تحلیل رویکردهای جرم‌شناسی در آثار ادبی باشند که نویسندگان بر اساس روش تحلیل محتوی سعی در آمایش برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی داشته‌اند (رستمی و مولایی، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۹۱؛ رستمی و جعفریان، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۳۹؛ فکوری، ۱۳۹۳: ۵۶-۳۵). در عرصه سینما مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به فیلم حقوقی- اجتماعی اسپاتالایت؛ مصالح موکل مهم‌تر است یا اجرای عدالت؟ (ایمانی، ۱۳۹۵: ۱۵۴-۱۴۵) و مقاله «نقدی بر فیلم فروشنده در پرتو آموزه‌های جرم‌شناختی- جامعه‌شناختی؛ ترویج انتقام خصوصی یا تابوشکنی از ناموس پرستی» نمونه‌های هستند که در پرتو آموزه‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (جوانمرد، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۵۵). اما در باب آثار گران‌بهای اورول نیز این کم‌کاری به چشم می‌خورد و معدود آثاری به شرح ذیل تنها میراث صاحبان اندیشه در خصوص آثار وی است که عمدتاً به بازخوانی رمان از بعد ادبیات انتقادی داستانی پرداخته‌اند. رمان مزرعه حیوانات جدای از قلم توانمند اورول، ویژگی خاص دیگری دارد

1. Social Phenomenon.
2. Victor Hugo.
3. Les Misérables.
4. Victor Hugo.

۵. خلق این رمان مصادف با حاکمیت قانون ۱۸۱۰ فرانسه مشهور به کد ناپلئون است که در آن کیفر اعدام هم‌چنان به حیات مقتدرانه خود ادامه می‌دهد. بر همین اساس ویکتور هوگو محاکمه و اجرای کیفر اعدام را از منظر محکوم‌به رشته تحریر درمی‌آورد و به بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی این مفهوم می‌پردازد.

که آن را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند و آن نص روان و قالب نمادین آن از زبان حیوانات است و بنابراین انتخاب رهیافت مدنظر در این نگارش، بر اساس این ویژگی می‌تواند مخاطبان ادبیات کیفری را تا رده‌های سنی جوان و نوجوان هم افزایش دهد.

#### نتایج مطالعات انجام‌یافته (پیشینه تحقیق)

ردیف	نام نویسنده	عنوان	سال	نتایج و پیشنهادها
۱	قوام بهنام	بررسی تطبیقی شخصیت‌های قلعه حیوانات جورج	۱۳۹۰	قلعه حیوانات تصویر یک جامعه کمونیستی است و هرکدام از حیوانات به لحاظ شخصیتی، نماینده تیبی خاصی از انسان‌هایی است که در بطن جامعه حضور دارند
۲	مظفری	بازخوانی کتاب‌های ۱۹۸۴ و مزرعه حیوانات؛ صد سالگی جورج اورول	۱۳۸۴	جورج اورول با نگاه تیزبینانه در این آثارش برای تغییر تاریخ، تغییر ادبیات و دگرگونی در سازه‌های بنیادین تاریخ یک سرزمین از سوی حکومت توتالیتار تلاش کرده است
۳	اورول	مزرعه حیوانات	۱۳۸۲	این کتاب بیش از هر چیز تمثیل انتقادی موفقی از انقلاب اکتبر روسیه و نتایج آن بوده و اورول سعی کرده تا انتقادهای خود به حکومت کمونیستی استالین را بیان کند
۴	بی‌نا	نگاهی به آثار اورول	۱۳۶۷	پس از بررسی آثار آس و پاس‌ها و درود بر کاتولونیا، به‌طور خلاصه به‌مرور داستان کتاب «مزرعه حیوانات» به‌عنوان مهم‌ترین اثر اورول پرداخته شده است

هدف کلی<sup>۱</sup> در این پژوهش، شخصیت‌شناسی اورول و کتاب‌شناسی رمان بر پایه تبیین مطالعات سیاست جنایی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر و جرم‌شناسی مارکسیستی و نیز تبیین اندیشه‌های اورول بر پایه آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی است. به همین منظور، این مقاله سعی دارد تا رهیافت‌های علوم جنایی را در رمان از زبان حقوق کیفری بازخوانی و یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی را در گفتمان نویسنده در مخاطب تداعی نماید. رویکردی که این نوشتار بر آن مبتنی است تحلیل محتوای مفاهیم حقوق کیفری در خلال روایت داستان در نگاه اورول است و بر همین اساس از حیث ساختاری، نخست برای تبیین نظریه‌های جرم‌شناختی مارکسیستی در رمان و همچنین الگوسازی با مدل‌های سیاست جنایی اوتوریتار و توتالیتار در آن، به‌طور اجمالی مروری بر کتاب‌شناسی رمان و آموزه‌های جرم‌شناختی و گفتمان سیاست جنایی آن خواهیم داشت. سپس با تبیین این رویکردها و خوانش جرم‌شناختی انتقادی و رهیافت‌های مارکسیستی در آن، در محور

#### 1. General Objective.

پایانی مقاله مدل‌های سیاست‌جنایی رمان که منطبق با مدل سیاست جنایی دولت اقتدارگرایی فراگیر<sup>۱</sup> است، تشریح خواهد شد.

### ۱. فرازهایی از رمان مزرعه حیوانات

مزرعه حیوانات<sup>۲</sup> درباره گروهی از حیوانات در مزرعه شخصی به نام جونز<sup>۳</sup> است که پس از روشننگری میجر<sup>۴</sup> خوک پیر، داعیه حق‌خواهی سر می‌دهند و با فراری دادن مالک که نماد حکومتی تمامیت‌خواه است، انقلاب کرده و رهبری این انقلاب را با آرزوی برابری و حذف طبقات اجتماعی، به خوک‌ها واگذار می‌کنند اما خوک‌ها، انقلاب را مصادره و شعارهای برادری و برابری را فراموش و خود جانشین آقای جونز می‌شوند. داستان با توصیف شبی شروع می‌شود که میجر پیر، حیوانات را که تحت بهره‌کشی شدید قرار دارند، جمع نموده و با تهییج حس آزادی‌خواهی، به شورش علیه انسان‌ها دعوت می‌نماید و با شعارگرایی، سرود قدیمی به نام «جانوران انگلستان»<sup>۵</sup> را به آنان یاد می‌دهد. میجر پیر می‌میرد و شورش حیوانات به سرانجام می‌رسد و حاکم بر سرنوشته خود می‌شوند. خوک‌ها، نقش رهبری جامعه نوپای انقلابی را بر عهده می‌گیرند. پس از این، قانون اساسی<sup>۶</sup> معروف به «هفت فرمان»<sup>۷</sup> بر روی دیوار مزرعه نقش می‌بندد. اما به‌زودی قدرت روی دیگر خود را نشان می‌دهد، ناپلئون<sup>۸</sup> یکی از دو خوک حاکم علیه اسنوبال<sup>۹</sup> خوک دیگر توطئه می‌کند و سگ-

۱. این مدل سیاست جنایی مبین سیاست‌گذاری در کشورهای با حاکمیت بلامنازع رهبر و تجمیع منابع قدرت در پنجه اقتدار وی و تلاقی انحصاری مفهوم جرم و انحراف در یکدیگر است.

۲. اورول در مقدمه کتاب، زمینه نگاشتن رمان را این‌گونه بیان می‌کند: «در ده سال گذشته عقیده راسخ داشتیم که اگر می‌خواهیم جنبش سوسیالیستی را دوباره زنده کنیم اسطوره شوروی باید بی‌اعتبار گردد. پس از برگشتن از اسپانیا روزی پسر کوچک ده‌ساله‌ای را دیدم که در کوچه باریکی سوار بر یک اسب گاری شده بود و هرگاه که حیوان می‌خواست برگردد با شلاق او را می‌زد، ناگهان به فکر رسید که اگر این حیوانات از نیرو و قدرت خودآگاه باشند، دیگر ما تسلطی بر آن‌ها نخواهیم داشت. انسان از حیوان آن‌گونه بهره‌کشی می‌کند که ثروتمندان از طبقه پرولتاریا. شروع به تحلیل دیدگاه مارکس از دید حیوانات کردم، بر مارکسیست‌ها مسلم بود که مبارزه طبقاتی یک توهم محض است، زیرا هرگاه پای بهره‌کشی و استثمار پرولتاریا در میان بوده است، همه طبقه حاکم در مقابلشان متحد شده‌اند» (بی‌نا، ۱۳۶۷: ۵۴).

3. Jones.

4. Major.

5. Animals of England.

۶. فرمان اول: همه آن‌هایی که روی دو پا راه می‌روند دشمن هستند-فرمان دوم: همه آن‌هایی که چارپا یا بالدار هستند، دوستند.-فرمان سوم: هیچ حیوانی حق پوشیدن لباس ندارد-فرمان چهارم: هیچ حیوانی حق خوابیدن در تخت ندارد-فرمان پنجم: هیچ حیوانی حق نوشیدن الکل ندارد-فرمان ششم: هیچ حیوانی حق کشتن حیوان دیگری را ندارد-فرمان هفتم: همه حیوانات باهم برابرند.

7. Seven Command.

8. Napoleon.

9. Snowball.

هایی که مخفیانه تربیت کرده به‌عنوان گارد وفادار حاکمیت، اسنوبال را از مزرعه فراری می‌دهند و ناپلئون به اقتدار مطلق می‌رسد و کم‌کم شاهد آشتی همیشگی قدرت و فساد هستیم و با فرار اسنوبال، عده‌ای از حیوانات به جرم همدستی با وی و خیانت به انقلاب اعدام می‌شوند. به تدریج شعارهای اولیه انقلاب رنگ می‌بازد و قدرت، قوانین را لگدمال می‌کند و خواندن سرود حیوانات انگلستان ممنوع شده و هفت فرمان پاک می‌شود. تنها یک فرمان باقی می‌ماند: «همه حیوانات باهم برابرند و بعضی برابرتر<sup>۱</sup>». خوک‌ها کار نمی‌کنند و سرمایه دیگران متعلق به آن‌هاست و غذای زیاد می‌خورند و از تمام امکانات رفاهی استفاده می‌نمایند. در تخت‌خواب می‌خوابند و بر روی دو پا راه می‌روند و پس از اندکی نمادهای قدرت آقای جونز این بار در قالب حاکمانی از جنس حیوانات احیاء می‌شود. خوک‌ها که به دلیل ذکات و باسواد بودن پرچم‌دار شورش می‌شوند، برای خود حقوق خاصی قائل و به‌زودی همه‌چیز به نام آن‌ها می‌شود و «طبقه برابرتر<sup>۲</sup>» نام می‌گیرند. اسکوتیلر<sup>۳</sup> که شبکه تبلیغاتی نظام است به همه می‌قبولاند که «خوک‌ها باید هرروز برای چیزهای مرموزی از قبیل پرونده‌ها، گزارش‌ها وقت زیادی صرف کنند» و این کار را خیلی مهم جلوه می‌دهد. در پایان داستان خوک‌ها در مهمانی باشکوهی که در آن ناپلئون لباس‌های آقای جونز را به تن کرده و بر روی دو پا ایستاده و با گیلان‌هایی از شراب از انسان‌ها پذیرایی می‌کند، آن‌سوتر اما سایر ساکنان مزرعه خسته از کار، نبود آذوقه و استثمار مال و جانشان و ناامید و پشیمان از بازگشت روزهای قبل از شورش به این صحنه‌های نوستالژیک و تأسف‌آور در اوج ناباوری نگاه می‌کنند و به دوستان و یارانشان که با بی‌رحمی توسط ناپلئون کشته شدند و به آرمان‌های فراموش‌شده انقلاب و انحصار تولید و ثروت و قدرت و رفاه در داستان خوک‌ها می‌اندیشند.

با نگاهی به مفاهیم و شخصیت‌پردازی<sup>۴</sup> رمان به نظر می‌رسد اورول، در کنار آموزه‌های جرم‌شناختی مارکسیستی، دو مدل سیاست جنایی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر را تبیین می‌نماید

1. All Animals Are Equal & Some Are More Equal.
2. More Equal Class.
3. Askvvyir.

۴. میجر خوک پیر: در آخرین روزهای زندگی، آن‌ها را به قیام علیه دشمن اصلی همه حیوانات یعنی انسان دعوت می‌کند و پس از مرگ، جمجمه او برای احترام در معرض دید عموم قرار داده می‌شود، آن‌چنان‌که بدن لنین مومیایی شده به‌عنوان سمبل در آرمگاهش قرار داده شد است و گویا میجر پیر مصداق نظریه‌پردازان جنبش کمونیستی از قبیل مارکس، انگلس و لنین است.

ناپلئون: خوک‌ها که انقلاب را مصادره و دستاوردهای آن را قبضه می‌کند، یادآور رهبران فاسد و مستبد انقلاب‌های کمونیستی، به‌خصوص استالین که به‌مرور امتیازهای فراوانی برای خود قائل می‌شود. سمبل سازی: پیروزی حیوانات و گسیل کبوتران به سایر مزارع، نمادی از پیروزی انقلاب اکتبر و ترس کاپیتالیسم از آن است.

اسنوبال: رهبر انقلابی که طرح‌های مختلفی تهیه، ولی همیشه با مخالفت ناپلئون مواجه و در نهایت قربانی انقلاب می‌شود. مثل لئون تروتسکی که در نظام کمونیستی همین سرنوشت را پیدا کرد.

که در مباحث بعدی، تحلیل این مفاهیم مدنظر نگارندگان است. در ضمن، تحلیل‌های علوم جنایی از جمله جرم‌شناسی انتقادی، پدرسالاری کیفری و امنیتی و سیاسی شدن جرم‌شناسی نیز مرتبط بارمان تشریح خواهد شد.

## ۲. رویکرد جرم‌شناختی رمان

جرم‌شناسی با این‌که از علوم مرکب محسوب می‌شود و این علوم از بدو پیدایش از دستاوردهای سایر رشته‌ها یاری جسته، اما ماهیت مشتق داشته و در آن‌ها مجذوب نشده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۹۶۵). آموزه‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی در خارج از قلمرو جامعه انسانی مفهومی نداشته و در اثر تعامل و ارتباط ساختارهای مختلف جامعه پدیدار می‌شوند. پدیده‌های جنایی افزون بر این‌که مورد توجه حقوق‌دانان واقع شده، با اقبال ادیبان، جامعه‌شناسان، فلاسفه و حتی پزشکان نیز همراه بوده که لازمه بهره‌مندی از این نظرها، رمزگشایی یافته‌های دانشمندان و استنتاج مفاهیم مرتبط با جرم است (رستمی و جعفریان، ۱۳۹۷: ۱۴۱). با این مقدمه برای شناخت جرم و عوامل مؤثر در وقوع آن، چه زبانی شیواتر از زبان زیبای ادبیات و چه ادبیاتی زیباتر از ادبیات انتقادی که سراسر مفاهیم آن انگار همان انگارها و مضامین جرم‌شناسی است. این دغدغه کمی نخواهد بود اگر دریابیم که می‌توان بعد از حقوق سیاسی و حقوق کیفری، به دامن ادبیات و آن‌هم از نوع ادبیات جرم‌شناختی پناه برد. چراکه حقوق داعیه‌ای جز ارتقاء عدالت ندارد و مخاطبان نظام کیفری مردمی هستند که باید جدای از زبان سزا با آن‌ها صحبت کرد تا مفاهیم سنگین حقوق کیفری و تأثیر عوامل گوناگون در وقوع جرم را بتوان با زبانی کمی شیرین‌تر برای آن‌ها بیان نمود.

## ۱.۲. خوانش جرم‌شناسی انتقادی رمان

این رمان، انتقادی فکاهی به شعارهای آرمان‌گرایانه مارکسیسم است و از همین منظر جرم‌شناسی انتقادی مبنایی است تا با آن پرده از رازهای رمان مزرعه حیوانات برداریم<sup>۱</sup>. جرم‌شناسی‌های منتقد

---

باکسر: اسبی مطیع که در راه آرمان‌ها با قدرت تمام تلاش می‌کند و مظهر طبقه کارگر بوده که در برابر تمام مشکلات ایستادگی می‌کند و در نهایت به‌جای بازنشستگی، خوراک سگ‌ها می‌شود.  
گوسفندان: توده و اکثریت جامعه مطیع که چشم‌بسته دنباله‌رو رهبران هستند.  
موز: کلاغ‌سیاه که وعده سرزمین شیر و عسل در پشت ابرها را بعد از مرگ به حیوانات می‌دهد و نماد کلیسای ارتدکس هست.

۱. انعکاس آموزه‌های بشری در ادبیات و بازتاب مسائل سیاسی به‌گونه‌ای است که می‌توان جریان‌ها را با عنوان ادبیات سیاست‌گرا در کنار جریان‌های دیگر ادبیات داستانی معاصر نشان داد؛ ادبیاتی که سرمنشأ مشکلات آن، از یک‌سو رژیم سیاسی حاکم و نوع مناسبات قدرت و نبود آزادی سیاسی و از سوی دیگر، نقد اشخاص یا اندیشه سیاسی و تشریح انتقادی نظام سیستمی است (گرچی، ۱۳۹۱: ۷۳).



و متعارض در قالب دیدگاه‌های متعدد ضمن به چالش کشیدن جرم‌شناسی‌های سنتی، از زاویه دید متفاوتی به علت‌شناسی می‌نگرند؛ یعنی ساختار نابرابر و تبعیض‌آمیز جامعه که در مدل‌های نظیر اشکال نژادپرستانه، تبعیضات جنسی و نابرابری طبقاتی نهادینه شده است. نمونه‌ای بارز این نگاه نقاد را اورول در بهره‌مندی خوک‌ها از محصولات مزرعه که دسترنج همه اهالی است و باید به میزان مساوی تقسیم گردد، این‌گونه بیان می‌کند:

«رفقا ما خوک‌ها از شیر و سبب متنفریم، اما برای حفظ تندرستی ما لازم است تا بتوانیم از شما محافظت کنیم؛ چراکه اگر ما در این وظیفه کوتاهی کنیم، آقای جونز مالک مزرعه برمی‌گردد» یا برخلاف دستور چهارم هفت فرمان که حیوانات در تختخواب نمی‌خوابند، خوک‌ها در تختخواب آقای جونز می‌خوابند و استدلال می‌کنند که: «رفقای من، می‌خواهم به شما بگویم با این‌همه فعالیت فکری که ما این روزها داریم، برای آرامش فکری به تختخواب نیاز داریم».

جرم‌شناسی انتقادی به دنبال شکست حکومت‌ها در مقابله با پدیده مجرمانه باوجود صرف هزینه‌های سرسام‌آور و بی‌عدالتی‌های اعمال‌شده در مبارزه با جرم، از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به عرصه جرم‌شناسی و سیاست جنایی و گفتمان حقوق کیفری وارد گردید (ایرانی؛ نجفی حاجیور و نجیبیان، ۱۳۹۴: ۵۷). جرم‌شناسی انتقادی تأکید دارد که ساختار سیاسی و اقتصادی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، نژاد و مذهب در شکل‌گیری جرم، حقوق جزا و نظام عدالت تأثیرگذارند (صفاری، ۱۳۸۳: ۵۰۶). لذا از این منظر این جرم‌شناسان در پی اصلاح و بهبود شرایط موجود با ارائه راهکارهای متفاوت از جرم‌شناسی سنتی خواهان به اجرا گذاردن سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت باهدف توجه به عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز تحلیل جدی عواملی نظیر فقر مزمن و تبعیض جنسی و نبود ساختار صنعتی که افراد جامعه را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهند، هستند (دکسردی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). جرم‌شناسی انتقادی تمرکز خود را بر نظام سیاسی و ارکان آن از جمله نظام عدالت کیفری که شامل قانون‌گذاری، جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌شود، قرار می‌دهد و گاه با نگاه عقیدتی-ایدئولوژیک (مانند رویکرد مارکسیستی-سوسیالیستی) و گاه نگاه علمی فارغ از ایدئولوژی، نظام کیفری را زیر سؤال می‌برند. جرم‌شناسان شوروی سابق که نوعاً نگاه رسمی را منعکس می‌کردند، در پاسخ به این پرسش که چرا، به‌رغم گذر زمان و اجرای اصول سوسیالیستی، باز شاهد ارتکاب جرم هستیم، به سه دلیل سیاسی و علمی استناد می‌کردند. آثار نظام تزاری (رژیم گذشته)، در جامعه باقی است. تهاجم فرهنگی نظام امپریالیستی غرب که اعتقادات و فرهنگ جامعه انقلابی را نشانه گرفته و تهدید می‌کند و بر اثر آن، لوازم و خصوصیات جامعه مصرفی در زندگی مردم انقلابی نفوذ می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۳). جرم‌شناسان

انتقادی در قالب دیدگاه‌های واکنش اجتماعی همانند نظریه تعامل‌گرایی<sup>۱</sup>، بیان می‌دارند که فرایند لکه‌دار کردن افراد از طریق زدن انگ مجرمانه به آن‌ها گسترش پیدا می‌کند (رابجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۹۴). راپاپورت<sup>۲</sup> نویسنده مشهور لهستانی، گسترش سیاست «مجرمانه دانستن»<sup>۳</sup> پاره‌ای از اعمال، پس از روی کار آمدن رژیم‌های سیاسی جدید در دموکراسی‌های مردمی را به‌عنوان نمونه ارائه می‌دهد. به‌این ترتیب که جرائم اقتصادی، به‌ویژه جرائم ارتكابی علیه ابزارهای تولید در کشورهای سوسیالیستی به‌شدت مجازات می‌شدند (لوسور، ۷۲-۱۳۷۱: ۴۱۳-۴۱۲).

## ۲.۲. نظریه‌های جرم‌شناختی مارکسیستی و سوسیالیستی در رمان

سوسیالیسم<sup>۴</sup> از واژه فرانسوی سوسیال به معنای اجتماعی اخذ شده است. سوسیالیسم<sup>۵</sup> دیدگاهی است که شهرت آن عمدتاً به سبب ترسیم نظامی است که شالوده در مالکیت جمعی ابزارهای تولید دارد و در آن، کنترل ابزارها از طریق مالکیت مستقیم کارگران یا نظارت دولت صورت می‌پذیرد. آنارشیست‌های روسی معتقد بودند که بلشویک‌ها که از سوسیالیست‌ها، سیاست‌مداران و دولت‌گرایان یعنی انسان‌های مرکز‌گرا و اقتدارگرای اهل عمل هستند، به‌محض این‌که قدرتشان مستحکم و قانونی بشود با امکانات دولتی و دیکتاتوری که قدرت مرکزی فراهم می‌کند، سروسامان دادن به کشور و زندگی خلق را آغاز خواهند کرد (دلماس مارتی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). قوانین کیفری شوروی سوسیالیستی به‌نوعی بازگشت به حقوق کیفری کلاسیک است که از طریق جرم‌انگاری موسع، صرف بیان عقاید متفاوت نسبت به دیدگاه‌های حاکمیت را مجازات می‌کند (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

1. Interactive Theory.

2. Rappaport.

3. Knowing criminal.

4. Socialism.

۵. نظریه‌ای است که هدف خود را مالکیت یا نظارت کل اجتماع بر ابزار تولید همچون سرمایه، زمین، دارایی و غیره در جهت تأمین منافع همگانی قرار می‌دهد و یا از این مالکیت و نظارت حمایت می‌کند (بیات، ۱۳۸۶: ۳۴۶). فارغ از هر تعریفی، همه اشکال سوسیالیسم امیدوارند جامعه‌ای مساوات طلب ایجاد کنند؛ جامعه‌ای که همه اعضاء را زیر بال حمایت خود بگیرد و برای ریشه‌کن ساختن فقر یا آثار آن به مؤسسات خیریه خصوصی نیازی نباشد. هدف سوسیالیسم، اجتماعی کردن ابزار تولید و لغو مالکیت خصوصی بر ابزارهای تولید و برقراری مالکیت اجتماعی بر ابزارهای تولید است. حال این مالکیت اجتماعی ممکن است مستقیم از طریق مالکیت و اداره صنایع توسط شوراهای کارگری یا غیرمستقیم از طریق مالکیت و اداره صنایع دولتی باشد. کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸م) واضع فلسفه جدید سوسیالیسم کمونیسم است که این فلسفه را منسجم نمود (ایگلتن، ۱۳۸۳).

شالوده برداشت‌های مارکسیستی تمرکز دستگاه کیفری بر جرائم طبقه کارگر و معرفی آن به‌عنوان زیان‌آورترین رفتار ضداجتماعی بوده و کارکرد اصلی دولت نه برآوردن منافع کوتاه‌مدت سرمایه‌داران، بلکه تضمین بقای روابط اجتماعی و سرمایه‌داری در بلندمدت است (ولد؛ برنارد و اسنیپس، ۱۳۹۵: ۳۳۹). جرم‌شناسی مارکسیستی درصدد شناسایی علل وقوع جرم در جامعه بشری است. خود مارکس جامعه را به روبنا و زیربنا تقسیم می‌کند و معتقد بود حقوق جزا و مقررات آن فی‌نفسه جرم‌زاست؛ زیرا حقوق برای تأمین منافع سرمایه‌داران به‌وجود آمده و ابزاری در دست طبقه حاکم برای حفظ وضع موجود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۷۹۲). با این تفاسیر، رمان مزرعه حیوانات زاویه دیدی انتقادی به شعارهای حکومت‌های سوسیالیستی دارد و به نظر می‌رسد این کتاب با نگاهی کاوش‌گرانه به شعارهای حکومت‌های کمونیستی نگریسته و این موضوع می‌تواند زمینه‌ای باشد تا نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی را به‌تبع آن الگوسازی نماییم؛ کما این‌که در نظریه مذکور، نابرابری اقتصادی و تمرکز منابع قدرت و ثروت در قبضه عده‌ای معدود از جمله عوامل وقوع جرم هستند که در کل روایت، هم‌وغم اورول ایراد به وقوع آن‌ها توسط خوک‌هاست و انقلابی که قرار بود سبب اتحاد و برابری تمام‌عیار باشد، توسط خوک‌ها مصادره و بعد از تحمیل رنج و مشقت و استثمار نیروی کار و تولید، طبقه کارگر به سمت حاکمیتی تمامیت‌خواه و به‌تبع آن سیاستی استبدادی تغییر مسیر می‌دهد و این موضوع نیز در عرصه سیاست جنایی، مدل سیاست جنایی اقتدارگرایی فراگیر را تداعی می‌کند.

این دیدگاه علت جرم را در ساختار روابط طبقاتی نابرابر می‌یابد و دغدغه آن، برجسته ساختن نابرابری‌های موجود در یک جامعه طبقاتی و تأثیر آن در فرایند جرم‌انگاری موجود در جامعه است. صاحبان قدرت، طراحان اصلی قوانین هستند که به نفع خود قوانین را تنظیم می‌کنند و حتی در مواردی مقررات موجود را در عمل نقض یا آن را به نفع خود تحریف می‌نمایند. لذا می‌توان گفت دیدگاه مارکسیستی، دیدگاهی کاملاً انتقادی است که به‌جای مطالعه جرم، خود سیستم عدالت کیفری و نظام حکومتی را عاملی جرم‌زا می‌داند و طرفدار اصلاح چارچوب قوانین به‌نحوی که بتواند جهت‌گیری دستگاه قضائی و نیز تعریف جرم را دگرگون کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۷۸۲). به‌طور دقیق این موضوع یکی از نمودهای بارز کتاب است که اورول به آن توجه داشته و چه در هفت قانون اول انقلاب و چه در اثناء و پایان داستان که قوانین توسط خوک‌ها نقض و یا تحریف می‌شوند، نمایان است. به‌عنوان نمونه در اول فصل هشتم کتاب شاهد این هستیم که فرمان ششم یعنی «هیچ حیوانی، حیوان کشی نمی‌کند»، به‌فرمان «هیچ حیوانی بدون علت، حیوان کشی نمی‌کند» تغییر می‌یابد و این تغییر ناشی از اقدام خوک‌ها در کشتار عده‌ای (به‌اصطلاح خائنان) بود و نکته جالب‌تر کتاب و عمق فاجعه، تغییر هفت فرمان به یک فرمان است و آن فرمان «همه

حیوانات برابرند، اما بعضی برابرترند». به ادعای نظریه پردازان مارکسیست، متمرکز شدن قدرت و ثروت در دست یک طبقه کوچک سرمایه‌دار، پیامدهای خاص خود را در هر دو عرصه تعریف جرم و واکنش اجتماعی در برابر این پدیده در پی دارد. تمرکز قدرت در دست صاحبان ابزارهای تولید سبب تحمیل جرم‌انگاری به رفتار خاص طبقه کارگر خواهد شد (وایت و هینز، ۱۳۹۵: ۲۴۴). در تبیین مفاهیم فوق می‌بینیم که رفیق ناپلئون صاحب قدرت و ابزار تولید، همان آسیاب بادی و کشاورزی و طراح معاملات با سایر مزرعه‌داران مجاور و فاتح جنگ‌های بعد از انقلاب با تمرکز قدرت و تشکیل نیروی قدرتمند هراس‌انگیز و سرکوبگر (سگ‌ها)، به‌مرور با استفاده از وعده‌های آن دنیایی موزز کلاغ از شیر و عسل و ... سخنرانی‌های اغواکننده و هجمه رسانه‌ای اسکوتیلر که بنگاه سخن‌پراکنی قدرت است، به‌عنوان نمادی از قدرت بلامنازع جامعه کمونیستی قبضه تمام امور را در دست می‌گیرد. اورول با موضع‌گیری عالمانه در کتاب مزرعه حیوانات وجهه‌ای آنارشیستی به مسیر کتاب می‌دهد که در آن قدرت منجر به فساد و قدرت مطلق منجر به فساد مطلق می‌شود. اورول اگرچه سوسیالیست و مدافع طبقه محروم است، هرگز با کمونیسم سر‌آشتی ندارد و مخالف سرسخت این مرام به شمار می‌آید و خمیرمایه رمان هم در مخالفت با رژیم مذکور است (اورول، ۱۳۹۴: ۶).

بدون شک با تأثیر از اندیشه‌های لنین، مارکس و انگلس آموزه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی در علوم جنایی شکل گرفتند و بدین ترتیب حقوق کیفری و جرم‌شناسی در رویارویی با رویدادهای سیاسی متأثر از انقلاب مارکسیستی-لنینیستی روسیه، به جد متحول و متولیان سیاست جنایی کشورهای کمونیستی، آموزه‌های جدیدی را در علت‌شناسی و مکانیسم مقابله با بزهکاری تجربه نمودند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۸۰۰-۷۷۰). لازم به توضیح است که اندیشمندان با الگوبرداری از شعارهای انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه در باب ارتباط اقتصاد و جرم نظریه‌هایی را بیان کرده‌اند. ویلم بونگر<sup>۱</sup> کوشش کرده است تا با استفاده از برخی مفاهیم مارکسیستی نرخ بزهکاری در کشورهای سرمایه‌داری اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را تجزیه و تحلیل کند (قربانی و فیض‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). بونگر در کتابش به نام «مجرمیت و شرایط اقتصادی»<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد، استدلال نمود نظام سرمایه‌داری تمام مردم را تشویق می‌کند که حریص و خودخواه باشند و به این نتیجه رسید که در یک جامعه سوسیالیست، در نهایت جرم از بین خواهد رفت؛ زیرا سوسیالیسم نگران رفاه کل جامعه است (ولد؛ برنارد و اسنیپس، ۱۳۹۵: ۳۵۸). اورول که زندگی در طبقات مختلف اجتماعی و فقر و تنگدستی را چشیده و به قدرت و مناسبات آن اشراف

1. Willem Bonger.  
2. Culpability & Economic Conditions.

کامل دارد، به نظر می‌رسد در کتاب مزرعه حیوانات و هم‌چنین در رمان ۱۹۸۴، آموزه‌های مارکسیستی<sup>۱</sup> را با همان شعارهای مساوات ایشان، به باد انتقاد می‌گیرد و در پی اثبات این موضوع، برادری و برابری را در مناسبات قدرت، تنها ابزاری جهت استثمار بیش‌تر طبقه کارگر می‌داند و این موضوع کاملاً به صورت معکوس مورد انتقاد اوست و این نظریه را صرفاً شعاری آرمان‌گرایانه می‌داند که زمینه بروز آن فراهم نخواهد شد. آنچه مشهود است جرم صاحبان قدرت و جرم طبقه فرودست انگار دو مقوله جدای از هم هستند که یکی در مفهوم قدرت نظام حاکمیت و دیگری توسط قدرت نظام حاکمیت در سنجه قضاوت قرار می‌گیرند.

### ۳.۲. امنیتی شدن<sup>۲</sup> جرم‌شناسی

قبل از ورود به بحث، قسمتی از نگاه اورول به نحوه برقراری نگاه امنیتی در مزرعه را عیناً نقل می‌کنیم که چگونه ناپلئون بدون کاربرست کم‌ترین معیارهای دادرسی، مبادرت به مجازات و خلق فراگشتی دهشت‌زا در مزرعه می‌نماید:

«ناپلئون از عمارت جونز خارج شد و با مدال‌های لیاقتی که بر لباسش بود و در حمایت نه سگ وحشی پارس‌کنان که اطرافش بودند به داخل حیاط آمد و در یک آن زوزه وحشتناکی کشید و سگ‌ها به چهار خوک حمل کردند و آن‌ها را خونین به نزد وی آوردند، بوی خون سگ‌ها را به مرز دیوانگی کشانده بود. خوک‌ها اعتراف کردند از هنگام اخراج اسنوبال با او در ارتباط بوده‌اند، ناگهان سگ‌ها در پیش چشم همه گلوی آن‌ها را دریدند. همین بلا سر غازی که شش خوشه گندم را سال پیش برداشته بود و سه مرغی که اسنوبال به خواب آن‌ها آمده بود و دو گوسفندی که سرود را با صدای بلند نخوانده بودند، آمد.»

نگاه امنیتی که اورول می‌خواهد در رمان مخاطبش را با آن به پیکار با مارکسیسم ببرد، از همان آغاز داستان شروع می‌شود. استثمار حیوانات بعد از انقلاب و تغییر رویکرد ناپلئون از نظام اجتماعی مساوات طلب به نظامی تمامیت‌خواه که با نگاه امنیتی، نظام کیفری را به ابزاری برای اعمال حداکثر شدت مجازات تبدیل می‌کند. «کیفرشناسی نوین<sup>۳</sup>»، «تسامح صفر<sup>۴</sup>»، «عدالت

۱. انقلاب مارکسیستی که اورول درصدد نقد آن است، در رمان یک سیر قهقرایی از بروز و افول را طی می‌کند و اصطلاحاً در دوران «ترمیدوری» خود قرار می‌گیرد و هیجانات فروکش و شعارهای انقلاب فراموش می‌شود و ارزش‌ها رنگ و بوی دیگری می‌یابد. یکی از شاخص‌های دوران ترمیدوری یا حرکت دوری انقلاب‌ها این است که «آرمان‌ها از بلندای خود به پایین کشیده می‌شود، گرچه هنوز عبارات بزرگ به‌گونه‌ای منجمد در شعارها و احساسات وجود دارد» (خرمشاد، ۱۳۸۰: ۵۰-۳۱؛ برینتن، ۱۳۷۰).

2. Securitization.  
3. New Penology.  
4. Zero Tolerance.

محاسبه‌گر<sup>۱</sup>، «کیفرهای استحقاقی<sup>۲</sup>» و «راهبردهای کیفری دوگانه<sup>۳</sup>» از جمله نموده‌های جرم‌شناسی امنیت‌گرا هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲۵) که بر اساس آن‌ها به دلیل اولویت یافتن دغدغه تأمین امنیت بر اهداف دیگر، مجرم دشمن جامعه تلقی و حقوق کیفری درصدد اصلاح و درمان آنان نیست، بلکه به تأمین امنیت می‌اندیشد (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). دولت برای تضمین دفاع از امنیت عمومی، حقوق و آزادی‌های شهروندان را فدا می‌نماید (بارانی و افراسیابی، ۱۳۹۲: ۷۰۱). پارادایم جنگ علیه جرم به تدریج شکل تمام سیستم کیفری را از راه افزایش عنوان دشمن تغییر داده و ساخت آن را از هم فرومی‌پاشاند (دلماست مارتی، ۱۳۸۸: ۱۰۱۳). کارکردهای فایده‌گرایانه کیفر در درازای تاریخ با گذر از عبرت‌آموزی و بازپروری اجتماعی بزهکاران، سرانجام به طرد و حذف آن‌ها منجر گردید. بدین صورت که از چشم‌انداز تحولات کیفری، این مجازات علیه جرمی اعمال شد که درجه آن‌ها از نظر شدت، مکافات‌ناپذیر می‌نمود (بولوک، ۱۳۸۶: ۳۴). از نظر تاریخی، هرکس که رفتارش موجب خشم نیروهای ماوراءالطبیعه گردد، به یک دشمن عمومی تبدیل می‌شود که مجرم دشمن فرض و با ایجاد فضایی امنیتی برخورد حداکثری با وی و با استفاده از مجازات به رویکرد نظام کیفری تبدیل خواهد شد (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۲). این رویکرد، با تشدید ترس از جرم در اجتماع، ارائه تصویر غیرانسانی و خائن از مجرم و ایجاد همجه علیه وی به خصوص در جرائم تهدیدکننده حاکمیت، زمینه‌ساز اعمال شدیدترین مجازات‌ها و اقتدار گفتمان امنیت‌گرا را فراهم می‌سازد و این همان سیاست «توان‌گیری طبقاتی<sup>۴</sup>» و «توان‌گیری گزینشی<sup>۵</sup>» در راستای طرد و سلب توان از بزهکاران است (رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). با مذاقه درآموزه‌های امنیت‌گرایی کیفری، می‌توان رمان را مصداق نظام کیفری امنیت‌گرا دانست. سیاسی کردن کیفر، اقدام‌های اجتماعی و محیطی در باب پیشگیری از جرم و عدم رعایت قواعد دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم و نحوه بازداشت و دلیل تراشی و قیاس به ضرر متهم و اعمال شدیدترین گونه‌های شکنجه به خصوص شکنجه‌های روانی و بازجویی‌های طاقت‌فرسا و دشمن دانستن مجرم به‌خوبی نشان از ایجاد محیطی کاملاً امنیتی در جامعه است که توسط ناپلئون اعمال و هیچ‌گونه انعطافی در قبال بزه‌های ممنوعه ندارد و آنگاه که این بزه‌ها، در راستای تولید فکری نقاد و یا در ضدیت با حاکمیت باشد، با غیرانسانی‌ترین کیفرها و بدون هیچ‌گونه بخششی در نطفه خفه می‌شود. داستان سراسر نگاه امنیتی است که همه را به چشم دشمن می‌نگرد و مزرعه در تمام زمان رمان در حال جنگ با قدرت‌های دیگر است و اسنوبال خوک فراری هم چنان زنده پنداشته و

1. Computational Justice.
2. Compensatory Penalties.
3. Double Criminal Strategies.
4. Class Empowerment.
5. Selective Empowerment.

درصد خیانته و توطئه بر علیه مزرعه نشان داده می‌شود، اما عملاً چنین چیزی وجود ندارد و این فرضیه توطئه فقط وسیله‌ای است برای امنیتی کردن فضای مزرعه. در رمان آن چنان که در نظام-های استبدادی مشهود است پایداری و ثبات امنیت در گرو قانون‌مندی توأم با رعایت حقوق بنیادین شهروندان از یک سو و نگاه همه‌جانبه به موضوع و برداشت حاکمیتی از مفهوم امنیت، از دیگر سو وجه غالب است. امنیت، به مفهوم امنیت حاکمیت، فروکاست می‌شود و باهدف برقراری نظم و تأمین امنیت، هر اقدامی روا خواهد بود (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲: ۷).

#### ۴.۲. نظریه ابزارگرایی کیفری

مقصود از اصطلاح ابزارگرایی<sup>۱</sup> در فلسفه جان دیویی<sup>۲</sup> و مکتب شیکاگو<sup>۳</sup> به معنای فلسفه اصالت عمل است. به این معنی که هر نظریه‌ای، وسیله یا ابزار عمل است و فقط در صورتی که کاربرد عملی داشته باشد، مفید و ارزشمند است. در سیاست جنایی نیز کمابیش شاهد رویه‌هایی هستیم که در آن‌ها هر هدفی، توسل به ابزار کیفر را توجیه می‌کند که می‌توان نام آن‌ها را ابزارگرایی کیفری نهاد (رحمانیان و حبیب زاده، ۱۳۹۲: ۴۷). بر اساس رویکرد ابزارگرایی، حقوق کیفری وسیله‌ای است که می‌تواند در پیشبرد اهداف ممکن، مورد استفاده قرار گیرد. حقوق کیفری ابزاری برای برقراری نظم اقتصادی در جامعه، ایجاد فضای اخلاقی و تربیتی مناسب، حفظ حریم جانی و ایجاد نظم سیاسی و تحقق اهداف و ارزش‌های جامعه است (حبیب زاده و عمرانی، ۱۳۹۲: ۵۰). مهم‌ترین مشخصه رویکرد ابزارگرا به حقوق کیفری، توجه به اصل کارآمدی حقوق کیفری است که برای دستیابی به نتیجه یا هدف خاصی به وجود آمده و در صورتی که آن نتیجه یا هدف مورد نظر به دست نیاید، اصول و نهاد حقوق کیفری که برای آن طرح‌ریزی شده‌اند، قابل توجیه نبوده و لذا باید سازوکارهای دیگر جایگزین گردد. در واقع، رویکرد ابزاری به حقوق کیفری، هدف‌های از پیش تعیین‌شده، ساختار و مفاد اصول شکلی و ماهوی حقوق کیفری را تشکیل می‌دهد.

در رمان مزرعه حیوانات، صحنه‌ها، دیالوگ‌ها، نهادها و شخصیت‌هایی نقش‌آفرینی می‌کنند که همگی به شکلی تمام‌قد ابزاری در نمایاندن قدرت حاکمیتند. نویسنده با کلماتی لبریز از حس تسلیمی بلامنزاع جامعه را در مقابل ابزارهای کیفری حزب اعم از سگ‌ها، موزز کلاغ و اسکوییلر سخنان بی‌دفاع نشان می‌دهد که خواننده بدون آن که نامی از سیستم کیفری آورده شود، از این حجم وسیع نفوذ ابزارگرایی کیفری و استثمار ابزارگرایانه آن حیران می‌ماند تا آنجا که شکنجه و خفقان و هراس و جاسوس پروری از بدیهی‌ترین ابزار توجیه‌گر اثبات جرم و کیفر در جامعه است.

1. Instrumentalism.
2. John Dewey.
3. Chicago School.

قوانینی که زمانی به قیمت کشته شدن تعدادی از حیوانات و به نیت تحقق آرمان‌های عدالت و حاکمیت برابری در جامعه وضع گردیدند و شعار برابر حیوانات انگلستان که همچون نمادی از روح آزادی خواهی در مزرعه عشق و برادری را طنین انداز می‌کرد، با توجه به تغییر رویکرد سیاسی ابزارگرایی نظام حاکمیت کارکرد خود را از دست می‌دهد یا کلاً حذف و یا تغییر می‌کند و کسی به هیچ عنوان قدرت مقابله با این تغییر رویه و اعتراض به آن را ندارد؛ چراکه حقوق کیفری به ابزاری غیرقابل انعطاف و بی‌رحم در دست حاکمیت تبدیل شده است. در کنار این آموزه‌های جرم‌شناختی، آموزه‌های سیاست جنایی نیز بازتابی از همین مفاهیم را در دل داستان بازگو می‌کند.

### ۳. مدل‌های سیاست جنایی اتوریتر و توتالیتر در رمان مزرعه حیوانات

نظام‌های سیاسی بر مبنای بنیادهای ارزشی خاص خود شکل می‌گیرند و برای فعلیت‌بخشی به آن‌ها، ساختار سیاسی متناسب خود را بنیان می‌نهند. یکی از این ساختارها، سیاست جنایی است که در وجود رابطه مستقیم بین این سیاست و نظام ارزشی حاکم بر جامعه قابل‌تصور است (افراسیابی و زارع مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). سیاست جنایی که در اواخر قرن هجدهم میلادی توسط فوئرباخ<sup>۱</sup> به مجموعه روش‌های سرکوب‌کننده که دولت به‌وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد تعریف شده بود، اواخر قرن بیستم توسط خانم دلماس مارتی<sup>۲</sup> چنین تعریف شد: «مجموعه روش‌هایی که به‌وسیله آن بدنه اجتماع، پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند» (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۹). سیاست جنایی در مفهوم امروزی، بیش‌تر به دنبال یافتن راهبردی به‌منظور پاسخ‌گویی به وضعیت مجرمانه و منحرفانه در جامعه با تجزیه، تحلیل و فهم پدیده مجرمانه به‌عنوان یک امر خاص است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۶۳). سیاست جنایی با توجه به رویکردش به سه مقوله آزادی، برابری و قدرت، به مدل‌های دولت جامعه لیبرال، مدل دولت اقتدارگرا، مدل دولت اقتدارگرایی فراگیر و مدل جامعوی تقسیم می‌گردند.

برای مدل دولت اقتدارگرایی فراگیر یا توتالیتر<sup>۳</sup> از کشورهای اسلامی، چین، کره شمالی کنونی و اتحاد جماهیر شوروی سابق نمونه می‌آورند (نوبهار، ۱۳۹۲: ۶۱). در این سیاست، کارکرد اصلی عدالت کیفری و نهادهای آن، حفاظت و حمایت از نظام در مقابل تهدیدهای بزهکاری و بزهکاران

1. Ludwig Feuerbach.

2. Mireille Delmas-Marty.

۳. در این مدل برتری آشکار با قوه مجریه است و رابطه قوی با شبکه سرکوبی دارد. چیرگی و برتری قوه مجریه در تضعیف قانون‌مداری و نهاد تقنینی از طریق واگذاری اختیار قانون‌گذاری به قوه مجریه در چهره‌های گوناگون برقراری حالت فوق‌العاده و حکومت‌نظامی، تعلیق فعالیت پارلمان یا انحلال آن جلوه‌گر می‌شود. قوه قضائیه تضعیف و نصب و عزل قضات تحت کنترل است و قوه مجریه بیش‌تر ارتشی و نظامی است. منطق سرکوبی در کل شبکه کیفری آمیخته است و اصل براءت حذف و شکنجه برای کسب اقرار مجاز شمرده می‌شود (نوبهار، ۱۳۹۲: ۱۰۱).



به‌مثابه دشمنان داخلی و خارجی است. با چنین رویکردی، هیچ عرصه‌ای از عرصه‌های زندگی شهروندان مصون از مداخله کنترلی کیفری حکومت و نهادهای آن نبوده، فضای زیست شهروندان، در عین حال به فضای جولان و اقدام نهادهای کیفری تبدیل شده است. لذا مداخله بی‌حد و مرز حکومت در کلیه عرصه‌های حیات خصوصی و عمومی شهروندان، نمونه ویژه‌ای از سیاست جنایی توتالیتر را در عصر حاضر ارائه می‌نماید که در نتیجه آن عرصه زندگی اجتماعی شهروندان قلمرو بلامنازع کنترل دولتی و کیفری است (یون وو، ۱۳۹۰: ۱۹۱). در حکومت‌های اقتدارگرا توتالیتر، مبنای قدرت سیاسی بر زور و قدرت حاکم نهاده شده است و همگان تحت سلطه حکومت و مکلف به اجرای سیاست‌های وی می‌باشند. هدف اساسی حکومت بسط ایدئولوژی، فرهنگ و موضوع‌هایی است که خود به آن‌ها معتقد است (افراسیابی و زارع مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۷۲). هواداران نظام‌های قدرت‌ورز برآنند که فرمانروا خودبه‌خود توجیه مشروعیت آن است و برای جامعه نظامی قدرتمند می‌خواهند که بی‌توجه به رضایت فرمان‌گران یعنی مردم امور را پیش برانند. استبداد و دیکتاتوری‌های فاشیستی از نوع این‌گونه نظام‌ها و صاحب این نظریه‌اند (لازرز، ۱۳۹۶: ۹۵).

در تعمیم همین نگاه به رمان مزرعه حیوانات می‌بینیم که رمان با حاکمیت مستبد جونز مزرعه‌دار شروع می‌شود و طولی نمی‌کشد که خیزشی نهفته در جامعه استثمارشدگان به انقلابی نرم منجر و خوک‌های زیرک زمامدار انقلاب می‌شوند و این سرآغازی است همانند استیلا حاکمیت بلشویک‌ها با شعار برقراری مساوات در شوروی سابق و راهبردهای مارکسیسم و لنینیسم در هدایت قیام پرولتاریا علیه بورژوازی. اورول با قلم انتقادی خود، خوانندگان را به این سمت‌وسو هدایت می‌نماید که انحصار علمی و تولیدی در اختیار زمامداران و صاحبان صنایع و ابزار تولید، موجب استحاله انقلاب می‌گردد و هنگامی که این انحصار در قبضه قدرت قرار می‌گیرد، اقتداری را به دنبال دارد که تداعی‌گر مدل سیاست جنایی دولت اقتدارگرای فراگیر است. سوسیالیست انقلابی، خیزش‌های سترگ سال‌های آغازین قرن گذشته در ضدیت قطب‌های سرمایه‌داری را در مزرعه حیوانات تشریح و خوک را به حاکمان مستبد تشبیه کرده است. اورول با بهره گرفتن این تمثیل در اثر ساده، ولی پرمحتوا و گران‌سنگ خود، سیر تدریجی ذبح انقلاب‌های توده‌ای پرولتاریا و حکومت کارگران را از زبان خوک‌ها تشریح نموده است. رؤیای تساوی و برابری و آینده روشنی که نوید پایان تاریخ ظلم را می‌داد، سبب شد حیوانات با رهبری خوک‌ها دست به جنبش یازند، ولی خویش در ناکجاآباد قدرت مذبحخانه گرفتار همان پدیدارهایی گشتند که ایده آغازین جنبش بر پایه آن استوار بود. خوک‌هایی که باگذشت زمان، با آغاز استحاله منشور حیوانات، از آن جز عبارتی گنگ بر جای نمی‌گذارند و بیش‌ازپیش در سلوک و رفتار به فتودال مخلوع شبیه می‌شوند تا جایی که با وی و هم‌مسلكانش از در سازش درمی‌آیند (مظفری، ۱۳۸۴: ۶۶) و در آخر داستان بر روی دوپا راه می‌-

روند، کلاه سر می‌کنند و مشروب می‌نوشند و بر سر میز غذا می‌خورند. با آدم‌ها معاملات تجاری دارند و حاصل و درآمد مزرعه برای آن‌هاست و بچه‌خوک‌ها حق درس خواندن دارند و سایر حیوانات فقط باید کار کنند و به حداقل امکانات و غذاها راضی باشند. خوک‌ها که خواندن آموخته‌اند، بلافاصله در قالب آنچه سوسیالیست‌ها برگزیدگان می‌خوانند سر برآوردند. آن‌ها تنها کسانی هستند که در بحث‌های سیاسی هفتگی راه‌حلی‌هایی مطرح می‌کنند. آن‌ها سازمان دهندگان کمیته‌های مختلف حیوانات هستند. آن‌ها ادعا می‌کنند که برای بازنگشتن جونز، فقط ایشان می‌بایست حکومت کنند. خوک‌ها، شیر و سیب را فقط برای مصرف خود برمی‌دارند و به عمارت جونز که قرار بود موزه شود نقل مکان می‌کنند. دیرتر از بقیه حیوانات از خواب برمی‌خیزند و هیچ کاری انجام نمی‌دهند و فقط نظارت می‌کنند. سگ‌ها را در بدترین حالت درندگی تربیت و با هراس از آن‌ها نظام تمامیت‌خواه خود را قوام می‌بخشند، شعارها تغییر می‌کنند و شعار چهارپاها خوبند به شعار «چهارپاها خوب، دوپاها بهتر» تغییر می‌یابد. تمامیت‌خواهی نظام فکری ناپلئون حتی خوک فرمان‌بردار اسنوبال را هم در برمی‌گیرد و از مخالفت با ساخت آسیاب بادی به‌عنوان تاکتیکی جهت خلاصی از شر اسنوبال که تأثیر مطلوبی در مزرعه داشت، بهره‌برداری می‌نماید و بعد از آن از سگ‌هایی که پرورش داده جهت سرکوب مخالفان استفاده و استبدادش را علنی می‌نماید. این اقتدارگرایی در آخر داستان هم مدنظر اورول است و دست‌آخر جامعه‌ای می‌ماند که نه تنها بر دروغ، بلکه بر ترور بنا شده است. عملکرد پایانی انقلاب به روایت اسکوئیلر، قتل‌عام تمام مهره‌های مخالف پس از اقرار اجباری به جرمشان است اعم از خوک، گوسفند، مرغ و... که در حیاط در انتظار عمومی توسط سگ‌های وحشی دریده می‌شوند و مقابل پای ناپلئون توده‌ای از اجساد ریخته می‌شود و هوا از بوی خون که از زمان اخراج جونز در آنجا نأشنا بود، سنگین می‌گردد. حضور پرنرنگ ناپلئون در تمامی مسیر داستان می‌تواند از نظرگاه پدرسالاری کیفری مضامینی را برای خواننده تداعی نماید و همچنین حقوق کیفری در داستان رنگ و بویی به‌شدت سیاسی دارد و نهادینگی خود را از اقتدار و تمامیت‌خواهی نظام حاکمیت مستبد ناپلئون تعریف می‌نماید که در ادامه به مضامین قابل اتکا در این‌باره در رمان اشاره می‌شود.

### ۱.۳. پدرسالاری کیفری

اصطلاح پدرسالاری<sup>۱</sup> ابتدا در علم مردم‌شناسی استعمال شده است. نظریه ژنتیک در مورد منشأ دولت، بر این باور است که دولت محصول گسترش طبیعی خانواده است. البته در این‌که خانواده

---

1. Paternalism.

اولیه پدرسالار بوده است یا مادر سالار اختلاف است. هنری ماین<sup>۱</sup> برجسته‌ترین جانب‌دار نظریه پدرسالاری معتقد است در خانواده اولیه، کهن‌سال‌ترین پدر، قدرت مطلق را اعمال می‌کرد و زندگی و مرگ فرزندان و بردگان را در اختیار داشت (عالم، ۱۳۹۸: ۱۷۳؛ یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴: ۶۸). هدف از توسل به ابزار قهری مجازات در اندیشه پدرسالاری کیفری، تکامل شخصیت و حفظ ارزش‌های اخلاقی متعارف و تعالی امیال شهروندانی است که مشمول حقوق کیفری هستند. در گفتمان سیاست‌گذاران این رویکرد، شهروندان را نمی‌توان به اعتبار خواست انفرادی‌شان تنها گذاشت. چراکه اشخاص الزاماً بهترین قاضی در زندگی خود در تشخیص صواب از ناصواب نیستند. در نتیجه، همان‌گونه که حکومت در خصوص نظم، امنیت، بهداشت و برقراری عدالت و حمایت از حقوق افراد، شهروندان را یاری می‌کند، برای تحقق زندگی مطلوب نیز بایستی یاری‌گر آنان باشد (برهانی و محمدی فرد، ۱۳۹۵: ۱۹۴-۱۷۳).

در این باره کانت<sup>۲</sup> می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند من را اجبار کند تا به سعادت‌ی مطابق سلیقه او تن دردهم، پدرسالاری بدترین نوع استبداد است که می‌توان تصورش را کرد» (کانت، ۱۳۸۰: ۱۲۲). در همین راستا توماس هابز<sup>۳</sup> که از بنیان نظریه قرارداد اجتماعی است، بیان می‌دارد: «آدمیان در حین انعقاد قرارداد با دولت به توافق رسیده‌اند که از بخشی از حقوق و امتیازهای خود صرف‌نظر کنند و در عوض دولت بتواند از حقوق باقی‌مانده آن‌ها حمایت کند و این امر مستلزم آن است که دولت متجاوز به حقوق افراد را تنبیه کند و از اینجاست که مبنای مجازات شکل می‌گیرد (ظفری، ۱۳۷۷: ۸۰). برلین<sup>۴</sup> در نقد پدرسالاری می‌گوید: «حکومت‌های پدرسالار هرچه قدر هم حسن نیت داشته باشند و از سر احتیاط و بی‌طمعی حرکت کنند، سرانجام متمایل به این دیدگاه می‌شوند که بیش‌تر مردمان را به صورت صغار و محجورین می‌نگرند که یا علاج ناپذیرند و یا آهنگ رشد آن‌ها چندان کند است که آزادسازی آن‌ها در آینده‌ای که بتوان به روشنی پیش‌بینی کرد، میسر نیست. یعنی در عمل می‌خواهند بگویند که این مردم هیچ‌گاه به مرحله رشد نخواهند رسید. این روشی است که انسان‌ها را به پستی می‌کشاند» (برلین، ۱۳۶۸: ۷۹؛ رستمی، ۱۳۹۳: ۶۸؛ هارت<sup>۵</sup>، ۱۳۸۸: ۱۱۳؛ محمودی جانکی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

رمان مزرعه حیوانات ملامال از مفاهیم پدرسالاری کیفری است. میجر پیر خوک کهن‌سال مزرعه آغازگر ظرافت سحرآمیز انقلاب‌های سوسیالیستی و هیجانانگیز توده است، او حکم پدر سیاسی را دارد و پیام آغاز دگرگونی را به گوش همگان می‌رساند و بعد از انقلاب باز خوک‌ها مالکان

1. Henry James Sumner Maine.  
2. Immanuel Kant.  
3. Thomas Hobbes.  
4. Isaiah Berlin.  
5. Herbert Lionel Adolphus Hart.

انقلاب می‌شوند و قانون وضع می‌نمایند و راهکارهای توسعه در ابعاد مختلف مزرعه را پایه‌ریزی می‌کنند و پدران قدرتمند رمان هستند و با بهره‌گیری از ابزار موجود بنیان‌های حاکمیت خود را در مزرعه استوار می‌نمایند و ناپلئون پدرسالارانه قدرت سیاسی، اقتصادی و کیفری را در دست می‌گیرد و قوانین را تغییر داده و ابهتی کاریزماتیک در نزد همگان پیدا می‌کند. روند اقتدار این تراژدی در تغییر هفت فرمان اول و کم‌کم محو شدن این قوانین به وضوح بیان شده است و نکته مهم جایگاه رأی و نظر حاکمیت و نهادهای تحت امر وی در القاء مقتدرانه قواعد مدنظر است. او در رمانش خوانشی بی‌بدیل از پدرسالاری کیفری را به منصفه ظهور رسانده و نگاه اقتدارگرایانه ناپلئون و اصولاً نظام کمونیستی را به باد انتقاد می‌گیرد. از ناپلئون دیگر بانام تشریفات «رهبر ما رفیق ناپلئون» یاد می‌شود و خوکیها دوست داشتند عناوینی چون پدر حیوانات، ضد بشر، حامی گوسفندان و دوستدار پرندگان برای او بسازند و این امر رسم می‌شود که هر دستاورد مطلوبی را به ناپلئون نسبت دهند. معمولاً شنیده می‌شد مرغی به مرغ دیگر می‌گفت «تحت راهنمایی‌های رهبرمان رفیق ناپلئون در عرض شش روز، پنج تخم گذاشته‌ام» یا دو گاو با لذت از نوشیدن آب استخر با تعجب فریاد می‌زدند که «از برکت رهبرمان رفیق ناپلئون این آب چه گوارا شده است» یا مثلاً غازی به اتهام این که در خرمن‌برداری سال گذشته مخفیانه شش ساقه گندم دزدیده و شبانه خورده است یا سه مرغ اسپانیایی که اسنوبال (خوک فراری) در عالم خواب بر آن‌ها ظاهر شده و آن‌ها را اغوا کرده که از اوامر ناپلئون سرپیچی کنند، کشته می‌شوند و این در صورتی است که یکی از فرمان‌های هفت‌گانه «هیچ حیوانی، حیوان‌کشی نمی‌کند» با توجه به جایگاه اقتدارگرایانه ناپلئون به کلی فراموش می‌شود و به همین جهت است که به‌طور اساسی، یعنی از نظر صرفاً جامعه‌شناسی کیفری، بورژوازی سلطه طبقاتی پدرمآبانه خود را از طریق نظام کیفری با ستم‌گری به طبقات استثمارشده تضمین می‌کند و دادگاه‌های کیفری دولت بورژوا، در واقع همان ترور سازمان‌یافته جامعه است که به اصطلاح از اقدام‌های فوق‌العاده معمول، متمایز می‌شوند.

### ۲.۳. سیاسی شدن حقوق کیفری

انعکاس اندیشه‌های بشری در ادبیات و بازتاب مسائل سیاسی به‌گونه‌ای است که می‌توان جریانی را با عنوان ادبیات داستانی سیاست‌گرا در کنار جریان‌های دیگر ادبیات داستانی معاصر نشان داد. ادبیاتی که سرمنشأ مشکلات و مسائل ذهن شخصیت‌های آن، از یک‌سو رژیم سیاسی حاکم بر جامعه، نوع مناسبات قدرت و نبود آزادی سیاسی و از سوی دیگر، نقد اشخاص یا اندیشه و تشریح نظام انتقادی سیاسی است. در غالب نظام‌های عدالت کیفری، بحث تعامل بین حقوق و دنیای

1. Our leader, Comrade Napoleon.

سیاست غیرقابل تردید است<sup>۱</sup>. زیرا سیاست‌مداران، غالباً با جرم‌انگاری رفتارها، چارچوب پاسخ‌های جامعه را مشخص می‌نمایند. در این تعامل، اگر سیاست حقوقی شود، حقوق و آزادی‌های شهروندان به گونه‌ای مطلوب، تأمین و تضمین می‌شود. اما فاجعه زمانی رخ می‌دهد که قوانین به ابزاری سیاسی و وسیله‌ای برای حکمرانی تبدیل گردند. در این صورت حقوق و آزادی‌های اساسی، معنا واقعی خود را از دست می‌دهند و تنها به واژگانی کم‌رنگ و فاقد اعتبار در برابر قوای حاکم تبدیل می‌شوند (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶۷). در عین حال به این نکته توجه نمی‌کنند که رشد برخی جرائم و خشن شدن مجرمان، محصول گفتمان، رفتار، سیاست و برنامه‌های آن‌ها نیز هست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۵۰).

نحوه واکنش جامعه به جرم و کنترل اجتماعی جرم تا حدود زیادی مرتبط با مفاهیم و ایدئولوژی‌های سیاسی است و همواره تفکر نظام سیاسی حاکم از حیث لیبرالیسم، محافظه‌کار، مساوات‌گرا، اقتدارگرای فراگیر، آنارشیزم، فمینیسم و ... بر نحوه مقابله با جرم و کنترل آن و تعیین محدوده آزادی‌های فردی و قلمرو مداخلات حکومت تأثیر بسزایی داشته و اصولاً مبانی ایدئولوژیک در تعیین مسیر و نحوه اقدام حقوق کیفری جهت‌دهنده و تعیین‌کننده بوده و در تضییق و توسیع قلمرو حقوق کیفری مؤثر می‌باشد (سلطانفر، شامبیاتی و آزمایش، ۱۳۹۶: ۹۳). بارزترین اثر نفوذ سیاست در قانون‌گذاری و به خصوص در قلمرو قانون‌گذاری کیفری که از آن به «سیاسی‌سازی قوانین»<sup>۲</sup> تعبیر می‌شود، امنیت‌گرایی است. چنین گسترش نفوذی، راه را برای عقلانیت قانون‌گذاری سد نموده و قانون را به سلاحی در دست دولت تبدیل خواهد کرد تا به دلخواه خود از آن استفاده نماید (دهقانی، ۱۳۸۹: ۲۱۰). با کمی تأمل در روند یادشده می‌توان دریافت که پیامد سیاست‌زدگی، علاوه بر کاهش ناکارآمدی قوانین، نظام سیاسی هر کشور را نیز با بحران و بی‌نظمی مواجه می‌کند (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). لذا ابزار قانون بیش از این که جهت تعقیب و محاکمه استفاده شود، در راستای محدودسازی و فرسایش نیروی مخالف به کار گرفته شده است (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۹۶). بدین‌سان، افزون بر سیاسی شدن قانون‌گذاری‌ها و استفاده از قانون در راستای نیل به اهداف سیاسی، در مقابله با جرائم به‌ویژه جرائم موجد احساس ناامنی‌های گسترده، برقراری امنیت، هدفی متعالی می‌شود که توسل به هر اقدامی برای نیل به آن توجیه می‌یابد و

۱. مجازات جلوه‌ای از تجلی حاکمیت است و یک رابطه ضروری بین این دو وجود دارد و تغییر در نظام حاکمیت موجب تغییر در مجازات می‌شود. فوکو نیز مجازات را بیش از آن که نهاد قضائی بدانند، نهاد سیاسی می‌داند. در نگاه جرم‌شناسی پست‌مدرن جرم محصول استفاده از قدرت توسط طبقه حاکم و برای محدود کردن افراد کنار گذاشته شده از قدرت است (فوکو، ۱۳۹۱؛ حسینی و رستمی‌غازانی، ۱۳۹۷؛ رحیمی نژاد و صادقی، ۱۳۹۶).

2. The Politicization of Laws.

بدیهی است که در این فرایند سیاست‌زدگی قوانین بیش‌ازپیش برجسته می‌نماید و با بازنگری مکرر در نهایت به تورم قوانین می‌انجامد (مهدوی پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

درنگاه اورول مزرعه دچار افراطی‌گری حاکمیت‌های تمامیت‌خواهی است که سیاست‌گذاری اتخاذی آن‌ها با سرکوب‌گری شدید همراه است. از مهم‌ترین کاربست‌های مدنظر اورول که در سرتاسر رمان جریان دارد، تأکید او بر تغییر قوانین و قواعد حقوقی و شعارهای انقلاب از نظام سیاست‌گذاری لیبرالی به نظام اتوریته است و انگار می‌خواهد مخاطب را در این اندیشه سرگردان نگه دارد که قانون و قدرت باید سنخیتی حاکمیت‌پسند داشته باشند. به این معنی که عدالت تا زمانی قانونی است که نیاز است حاکمیت بر چارچوب‌های قدرت مستبدانه استوار گردد، بعد از آن این قدرت است که تعاریف نظام کیفری از جرم و مجازات را تعریف می‌نماید و عدالت کیفری همان قدرت کیفری است و به تدریج شعارهای مساوات و برادری و برابری با بهره‌گیری از میلیتاریسم<sup>۱</sup> و قدرت اقتصادی طبقه حاکم رنگ‌باخته و تبصره‌ها و استثناءها جای خود را در میان واژگان قانونی توسعه می‌دهند.

مزرعه حیوانات ترسیم روند استحاله آرمان‌های آزادی‌خواهانه است که منجر به انقلاب و کوششی انفجاری در جهت بنیاد افکنی نظم نوین می‌شود و از دنیای به‌مراتب تیره‌تر سخن می‌گوید که مانیفست<sup>۲</sup> حاکم بر آن بدون هر پرده‌پوشی مهوع است. سوسیالیسم و اندیشه حاکمیت مطلق، اما این بار داستان از زبان حیوانات در حزبی فراگیر که حاکم و ناظر بر زندگی فردی و اجتماعی کلیه افراد ملت است و شاید بتوان آن را حزب خوک‌ها نامید. حزب خوک‌ها نمادی از حاکمیت فاشیستی دولتی مجهول و تمامیت‌خواه است که استبداد و وحشتناک خود را از طریق میلیتاریسم و نظامی‌گری در تمثیل نمادین از سگ‌های دست‌آموز که هم سمبل وفاداری‌اند به حزب حاکم و هم نماد درندگی در یک نظام سیاسی تمامیت‌خواه. تفتیش شدید عقاید، دورنگه داشتن مردم از یکدیگر و محدود و حتی اضمحلال کامل روابط اجتماعی و ترویج افکار و اشاعه شایعات و پرورش و القای هر آنچه حزب می‌اندیشد و نشر و تبلیغات حزبی، کنترل ارتباطات از راه دروغ‌پراکنی و شست‌وشوی مغزها همگی ابزارهایی برای تثبیت قدرت و شست‌وشوی فساد و تلقین اقتدار هستند که به پاک‌ی و مهربانی ناپلئون قوام می‌بخشند و این در جای‌جای رمان تکرار می‌شود و این همان نیشخند تلخ اورول به تمامیت‌خواهی حاکمان سوسیالیسم است.

1. Militarism.  
2. Manifest.



## نتیجه‌گیری

در نظر گرفتن عمر برای بعضی از آثار ادبی و سینمایی و خارج از رده قلمداد کردنشان، اجحاف در شناخت عظمت این نویسندگان و آثار آن‌هاست و باید ایمان داشت هوگو تا ابد هوگوست و سعدی، حافظ و مولوی تا ابد برای بشریت خواهند ماند. لذا بررسی این آثار نه نبش قبر، بلکه کشف دنیای پرمحتوی ادبیات کیفری این آثار است. ادبیات کیفری به‌زعم نگارندگان بسیار جوان و در آغاز راه خود است. البته ادبیات کیفری نه به معنای داستان‌های پلیسی که آگاتا کریستی<sup>۱</sup> با آن به شهرت جهانی رسید، منظور ادبیاتی برگرفته از آموزه‌های جرم‌شناسی، سیاست جنایی و حقوق کیفری و مبتنی بر نگاهی نقادانه و جهت‌سنجش و شناساندن مفاهیم حقوق کیفری برای عموم افراد جامعه است؛ آن‌چنان‌که بتواند نظریه‌های گوناگون جرم‌شناسی را در قالب ادبیات عامه‌پسند، ولی ارزشمند نویسندگان بزرگ به عموم احاد جامعه ارزانی دارد.

به‌طور قطع آثار اورول از جمله شاهکارهای ادبیات انتقادی در باب مارکسیسم است که با زبانی ساده، توانایی خاصی در بیان تفکرات نویسنده و القاء هدفمند آن به مخاطب دارند. آنچه اورول در رمان مزرعه حیوانات با قدرت ذهن خلاق و کلام زیبا و قلم منتقدش ترسیم می‌کند داستانی آکنده از مسخ فکر، نبوغ و تقبیح بیان و استثمار آزادی است. داستانی که در آن جامعه چه در بعد داخلی و چه در تجسم خارجی آن، طبقه‌بندی شده است به خودی و غیر خودی و هرآن دشمنی در داخل یا خارج می‌خواهد حزب را تهدید نماید، لذا حاکمیت همه رفتارها را جرم‌انگاری حداکثری می‌کند و کیفر از اصل قانونی بودن عدول می‌نماید و مجرم دشمن است و استحاله‌ای خشن در انتظار بزهکاران است. مزرعه حیوانات داستان یک اندیشه یا بهتر بگوییم داستان ریشه تاریخی یک اندیشه است که در زمان‌های مختلف بر جوامع بشری به‌خصوص جوامع توده‌گرا و پوپولیستی حاکمیت داشته و هم‌چنان این عوام‌زدگی در قالب مکاتب و ایدئولوژی‌های گوناگون در سطح جهان حاکمیت دارد که نمادهای از تفکر ماکیاولی<sup>۲</sup> و آن نگرش افراطی به قدرت سیاست‌مداران در توجیه هر اقدامی برای حفظ حاکمیت است. کتاب مزرعه حیوانات را متفکری گریزان از سرمایه‌داری نگاشته که خود بدترین و بهترین‌ها را در زندگی کوتاهش لمس نمود و نظامی‌گری در ارتش انگلیس و مبارزه با ارتش فرانکو در اسپانیا و دربه‌دوری در فرانسه را تجربه کرد و با اثر نمادین رمان مزرعه حیوانات به جنگ با استثمار رفت و آن‌چنان قلمی فاخر به زیور طبع آراست که نویسندگان مختلف در سطح جهان با سرخی آن به جنگ ارتش سرخی رفتند که سرانجامش اضمحلال و خاموشی بود. بدون شک مزرعه حیوانات، تشابهاتی با تاریخ اتحاد جماهیر شوروی سابق

1. Agatha Christie.  
2. Niccolò Machiavelli.

بین سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۵ دارد و می‌توان گفت ناپلئون نمایانگر استالین و اسنوبال، تروتسکی است که نزاعش با استالین پس از مرگ لنین در ۱۹۲۴ منجر به اخراجش از روسیه شد. مولی‌گر به راحت‌طلب، نمایانگر آن دسته روسیانی است که پس از اکتبر ۱۹۱۷ از کشور فرار کردند و باکسر اسب زحمتکش، نماینده پرولتاریای وفادار و موزز کلاغ‌سیاه و اسکویئر، کلیسای ارتدکس روسیه و نبرد آسیاب بادی همان تجاوز آلمان در سال ۱۹۴۱ به روسیه می‌تواند قلمداد شود. اما نکته مهم این است که دادستان افسانه‌ای اورول را نباید تنها مختص انقلاب‌های کمونیستی شوروی سابق دانست، بلکه وسعت خلق‌شده در این داستان آرمان‌گرایانه می‌تواند مطابق با بسیاری از انقلاب‌های کمونیستی دیگر در سطح جهان باشد. چراکه انقلاب روسیه، تنها انقلابی نبوده که به دیکتاتوری منتهی شده باشد.

به یقین آثار اورول از جمله شاهکارهای ادبیات انتقادی در باب به چالش کشیدن حاکمیت فراقانونی سوسیالیسم است که در آن نویسنده با ادبیاتی تمثیلی و آفرینش ذهنی توانمند در تلاقی واژه‌ها زبان به انتقادی غیرسازشی می‌زند و آنچه را که باید، می‌گوید. رویکرد علوم جنایی و به‌ویژه جرم‌شناختی و سیاست جنایی این کتاب، اما خود بحث دیگری است. وقتی مفاهیم جرم‌شناسی مارکسیستی را بررسی می‌کنیم، تازه درمی‌یابیم که اورول چه زیبا مؤلفه‌های مورد ادعای کمونیست‌ها را به استهزاء گرفته و اگر مارکسیسم به دنبال حذف بی‌عدالتی است و با شعار برادری و برابری به میدان آمد و اگر جرم‌شناسان مارکسیستی دلیل جرم را انحصار منابع تولید و ثروت در دست عده‌ای خاص می‌دانند؛ همین بلاها به مراتب بدتر دامن‌گیر طبقه پرولتاریایی می‌شود که به نام ایشان، انقلاب بلشویکی به‌پاخواست. هم‌چنین سیاست جنایی هر حاکمیتی ناگزیر تفسیری از چارچوب ایدئولوژیک و مدل و منش سیاسی آن نظام است و این همان نکته‌ای است که اقتدارگرایان به‌واسطه آن سیاست جنایی سرکوبگر و تمامیت‌خواه را با تلفیق و ادغام انحراف و بزه و اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه در کشورهای بلوک شرق ارائه نمودند و مزرعه حیوانات نماد و سمبل هژمونیک‌ی از استثمار طبقه کارگر انقلابگر توسط منادیان رهایی است. به نظر می‌رسد نگاه اورول منطبق با آموزه‌های جرم‌شناسی رادیکال و انتقادی است که در آن با زبان تلخ، اما ساده و قابل فهم از وضعیت یک نظام حقوقی، حاکمیتی و کیفری در ادبیاتی پر از طعنه و انتقاد و با تأسف سخنان به میان می‌آورد و دیدگاهی مبتنی بر استفاده ابزارگرایانه از نظام کیفری که در آن تنها یک بهانه کوچک کافی است تا داستان دشمنان و امنیت نظام سیاسی به امنیتی شدن حقوق کیفری بیانجامد و هرگونه برخورد کیفری، حتی خشن‌ترین آن با قساوت هرچه تمام در جامعه اعمال شود و این تعامل و تطابق زیبا در رمان وجود دارد که می‌توان از یک‌سو، آموزه‌های سیاست جنایی اقتدارگرا را بازشناسی نمود و هم‌زمان و از نگاه جرم‌شناسی مارکسیستی به شعار برادری و برابری



این نحله فکری انتقاد نمود. جنبش‌های بازگشت به کیفر، تسامح صفر و امنیتی کردن جامعه به‌واسطه تهدید و دشمنی دشمنان فرضی و گاه‌گاهی نیز صحنه‌سازی‌هایی در راستای القاء وجود این تهدیدها در رمان همان هویت آفرینی تراژیک و دروغینی است که اورول از آن صحبت می‌کند.

### منابع

- ابراهیمی مقدمیان، محمود؛ جلیلی صالح، زهرا و جلیلی صالح، فاطمه (۱۳۹۳)، «مطالعه علل ارتکاب جرم در میان جوانان حاشیه‌نشین شهر همدان»، فصلنامه دانش انتظامی همدان، دوره ۱، شماره ۳، ص ۷۲-۴۵.
- افراسیابی، علی و زارع مهدوی، قادر (۱۳۸۸)، «تأثیر مدل سیاسی بر مدل‌های پیشگیری از جرم؛ با تأکید بر مدل‌های معاصر»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۱۸۸-۱۶۵.
- اورول، جورج (۱۳۷۳)، *زنده‌باد کاتالونیا*، ترجمه مهدی افشار، تهران: انتشارات خوارزمی.
- اورول، جورج (۱۳۸۲)، *مزرعه حیوانات*، ترجمه صالح حسینی و معصومه نبی‌زاده، تهران: انتشارات دوستان.
- اورول، جورج (۱۳۹۴)، *آس و پاس‌ها در لندن*، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ سوم، تهران: انتشارات بهجت.
- اوکسلی، بی. تی (۱۳۹۶)، *زندگی جورج اورول*، ترجمه شهرام جعفری، تهران: انتشارات پر.
- ایرانی، امیر؛ نجفی حاجیور، معصومه و نجیبیان، علی (۱۳۹۴)، «تحلیل میزان بازتاب اندیشه‌های جرم‌شناسی انتقادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، ص ۸۲-۵۷.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۳)، *مارکس و آزادی*، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران: انتشارات آگه.
- ایمانی، عباس (۱۳۹۵)، «نگاهی به فیلم حقوقی- اجتماعی اسپات‌لایت؛ مصالح موکل مهم‌تر است یا اجرای عدالت؟»، فصلنامه کانون وکلا، شماره ۲۳۴، ص ۱۵۴-۱۴۵.
- آقابابایی، حسین (۱۳۹۰) «امنیت، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرائم امنیتی»، یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، ضمیمه فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، ص ۱۱۱-۷۵.
- بارانی، محمد و افراسیابی، علی (۱۳۹۲)، «پیشگیری وضعی از جرم به‌عنوان رهیافتی معارض یا تعامل‌گر با آموزه‌های حقوق بشر»، *دائرة المعارف علوم جنایی* (مجموعه مقاله‌های علوم

- جنایی)، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان، ص ۶۹۷-۷۱۲.
- برلین، آیزایا (۱۳۶۸)، **چهارمقاله درباره آزادی**، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ ۱، تهران: انتشارات خوارزمی.
- برهانی، محسن و محمدی فرد، بشری (۱۳۹۵)، «کمال‌گرایی کیفری»، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۷، ص ۱۹۴-۱۷۳.
- برینتن، کرین (۱۳۷۷)، **کالبدشکافی چهار انقلاب**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- بولوک، برنارد (۱۳۸۶)، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۶)، **فرهنگ واژه‌ها**، چاپ سوم، قم: نشر اندیشه و فرهنگ دینی.
- بی‌نا (۱۳۶۷)، «نگاهی به آثار جورج اورول»، **نشریه دانشگاه انقلاب**، شماره ۵۷، ص ۵۵-۵۲.
- توجهی، عبدالعلی و دهقانی، علی (۱۳۹۲)، «در جدال امنیت‌گرایی و موازین دادرسی منصفانه»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره سوم، ص ۳۴-۷.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۵)، «نقدی بر فیلم فروشنده در پرتو آموزه‌های جرم‌شناختی - جامعه‌شناختی؛ ترویج انتقام خصوصی با تابوشکنی از ناموس‌پرستی؟»، **فصلنامه کانون وکلا**، شماره ۲۳۴، ص ۱۶۲-۱۵۵.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و عمرانی، سلمان (۱۳۹۲)، «تحلیل ساختاری رابطه حقوق کیفری و دانش سیاسی»، **فصلنامه مطالعات حقوقی دولت اسلامی**، سال دوم، شماره سوم، ص ۷۰-۳۳.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۰)، «نظام هنجاری در سیاست جنایی اسلام»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۵۱، ص ۶۴-۳۷.
- حسینی، محمد و رستمی‌غازانی، امید (۱۳۹۷)، «جنبه‌های حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی مجازات»، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال نهم، شماره اول، ص ۸۹-۱۱۴.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی انقلاب؛ نگاهی درون‌گرایانه به چالش‌های یک انقلاب»، **فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی**، ص ۵۰-۳۱.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۰)، «سیاست زدگی اطلاعات: از بی‌هویتی سازمان اطلاعاتی تا ناکامی نظام سیاسی»، **فصلنامه راهبردی**، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۵۳، ص ۱۲۶-۱۰۳.

- دکسردی، والتراس (۱۳۹۴)، **جرم‌شناسی انتقادی معاصر**، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش ناری، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- دلماش مارتی، می ری (۱۳۹۵)، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجف ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- دهقانی، علی (۱۳۸۹)، **رویکرد امنیت‌گرا به دادرسی کیفری: مبانی، جلوه‌ها و چگونگی تعدیل آن با تأکید بر حقوق ایران**، رساله دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، «تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران»، **فصلنامه حقوقی دادگستری**، شماره ۴۱، ص ۹۳-۱۱۸.
- رحمانیان، حامد و حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۲)، «ابزارگرایی کیفری: قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۵، ص ۴۷-۷۲.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل و صادقی، سالار (۱۳۹۶)، «حقوق کیفری در سنجه جرم‌شناسی پست‌مدرن»، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال هشتم، شماره ۱، ص ۵۹-۸۳.
- رستمی، هادی (۱۳۹۱)، «توجیه کیفر در نظریه تعلیم اخلاقی»، **دایره المعارف علوم جنایی**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- رستمی، هادی (۱۳۹۳)، «جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال»، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال پنجم، شماره ۱، ص ۵۵-۸۱.
- رستمی، هادی و جعفریان، حسن، (۱۳۹۷)، «گفتمان سیاست‌گذاری و جرم‌شناسی در آخرین روز یک محکوم»، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال نهم، شماره اول، ص ۱۳۹-۱۶۰.
- رستمی، هادی و مولایی، علی (۱۳۹۷)، «رمان سال‌های ابری در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان»، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۶، ص ۹۱-۱۲۰.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۵)، **تحولات مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی و آثار آن در حقوق کیفری**، رساله دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- سلطانفر، غلامرضا؛ شامبیاتی، هوشنگ و آزمایش، علی (۱۳۹۶)، «تاثیر ایدئولوژی‌ها بر قبض و بسط حقوق کیفری»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل**، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ص ۹۳-۱۴۶.
- شریف آزاده، محمدرضا (۱۳۶۹)، «بررسی علل شکست اقتصاد مبتنی بر مارکسیسم؛ روسیه سوسیالیستی»، **فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت**، دوره ۲، ص ۱۹-۴۷.

- صفاری، علی (۱۳۸۳)، «درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن»، **علوم جنایی**؛ مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ظفری، محمدرضا (۱۳۷۷)، **مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی**، جلد اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۸)، **بنیادهای علم سیاست**، چاپ سی و یکم، تهران: نشر نی.
- غلامی، حسین (۱۳۹۱)، **ترس از جرم**، دیباچه در حمیدرضا نیکوکار و بهاره همت‌پور، تهران: نشر میزان.
- فکوری، محمدعلی (۱۳۹۳)، «نگاهی به مدل‌های سیاست جنایی اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر در گلستان سعدی»، **دو فصلنامه انجمن گفتمان حقوقی**، دوره ۳، شماره ۵، ص ۳۵-۵۶.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱)، **مراقبت و تنبیه و تولد زندان**، ترجمه نیکو سرخوش، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- قربانی، اسماعیل و فیض‌آبادی، حسین، (۱۳۹۳)، «واکاوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی»، **فصلنامه دانش انتظامی خراسان**، دوره ۱، شماره ۳، ص ۹۷-۱۲۰.
- قوام، ابوالقاسم و بهنام، مینا (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی شخصیت‌های قلعه حیوانات جورج اورول و باب شیر و گله کلیده‌ودمنه»، **فصلنامه ادبیات تطبیقی**، شماره ۵، ص ۲۲۵-۲۳۸.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴)، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها»، **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، شماره ۱۶-۱۵، ص ۲۵۷-۲۹۸.
- کانت، امانوئل (۱۳۸۰)، **فلسفه حقوق**، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- گرچی، مصطفی (۱۳۹۱)، «نخستین داستان سیاسی پس از انقلاب اسلامی: بررسی و تحلیل گفتمان داستان سلول ۱۸ از علی‌اشرف درویشیان»، **فصلنامه نقد ادبی**، شماره ۱۸، ص ۹۶-۷۱.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰)، **جرم‌شناسی کاربردی**، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات مترجم.
- گورباچوف، میخائیل (۱۳۸۶)، **دومین انقلاب روسیه پروستروویکا**، ترجمه عبدالرحمن صدریه، چاپ ششم، تهران: نشر آبی.
- لازرز، کریستین (۱۳۹۶)، **درآمدی به سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.

- لواسور، ژرژ (۷۲-۱۳۷۱)، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲-۱۱، ص ۴۳۶-۳۹۵.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶)، «مفهوم آزادی و نسبت آن با جرم انگاری»، مجله علوم جنایی، شماره ۱، ص ۸۹-۱۲۱.
- مظفری، سیدمحمد (۱۳۸۴)، «بازخوانی کتاب‌های ۱۹۸۴ و مزرعه حیوانات؛ صدسالگی جورج اورول»، مجله گزارش، شماره ۱۶۷، ص ۶۷-۶۴.
- مهدوی پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۳)، «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۹، ص ۱۵۹-۱۸۱.
- مهرآ، نسرین (۱۳۷۶)، «درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲-۲۱، ص ۳۰۱-۳۱۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا»، دیباچه ویراست سوم، لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ص ۴۲-۵۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸)، علوم جنایی در رویارویی با رویدادهای سیاسی (درآمدی بر تحولات حقوق کیفری و جرم‌شناسی در پرتو انقلاب مارکسیستی-لنینیستی روسیه)، دایره المعارف علوم جنایی: علوم جنایی تجربی، کتاب چهارم، تهران: نشر میزان، ص ۸۰۰-۷۷۰.
- نجفی ابرندآبادی؛ علی حسین (۱۳۹۲)، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۲)، «مدل‌شناسی سیاست جنایی اسلام»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶، شماره ۱۵۲، ص ۱۴۹-۱۰۱.
- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۵)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ هشتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ولد، جرج و برنارد، توماس و اسنیپس، جفری (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، چاپ نهم، تهران: نشر سمت.
- هارت، هربرت (۱۳۸۸)، آزادی و قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران: انتشارات طرح نو.

یزدیان جعفری، جعفر و خیرمند، الهه (۱۳۹۴)، «پدرسالاری کیفری؛ مفهوم، انواع، مشروعیت و مصادیق آن در حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۴۵، ص ۱۰۶-۶۷.

یونوو، مین (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتتر: جرم و مجازات در کره شمالی (با تأکید بر نقش پلیس)»، ترجمه حسین غلامی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۹، ص ۲۱۸-۱۹۱.